

۱۵۰۰

هنر، ادب و نظم پارسی

مؤلف : مسعود اکبریان

www.ketab.ir



نشر افروز

۶۶۴۶۸۸۵۵

۶۶۴۹۴۱۴۳

سرشناسه : اکبریان، مسعود، ۱۳۲۵
عنوان و نام پندآور : ۱۵۰ قرن هنر، ادب و نظم پارسی / مولف مسعود اکبریان.
مشخصات نشر : تهران: افروز، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری : ۷ ج.
فهرست نویسی : فیا
عنوان گسترده : صد و پنجاه قرن هنر، ادب و نظم پارسی.
موضوع : ادبیات ایرانی - تاریخ و نقد
موضوع : ادبیات فارسی - تاریخ و نقد
موضوع : هنر ایرانی - تاریخ
موضوع : ایران - تاریخ
رده بندی گنگره : ۱۳۸۹ ص ۷ الف / PIR۵۰
رده بندی دیویی : ۸۱۰ / ۹
کتابشناسی ملی : ۲۰۹۱۱۲۱
تاریخ درخواست : ۱۳۷۰/۵/۱۳۸۹
تاریخ پاسخگویی : ۲۵/۰۵/۱۳۸۹
کد پیگیری : ۲۰۹۰۹۹۵

شناسنامه کتاب

عنوان: یکصد و پنجاه قرن هنر، ادب و نظم پارسی (جلد اول)
تألیف: مسعود اکبریان
ناشر: انتشارات افروز
چاپ: نقش نیاز
طرح جلد: آرش مرادی محتشم
تعداد صفحات: ۲۳۲
نوبت چاپ: چاپ اول
تاریخ انتشار: زمستان ۱۳۹۰
بها: ۸۹۰۰۰ ریال
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۵۳-۵۵-۱
شابک جلد اول: ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۵۳-۵۴-۲

ISBN :978-964-6253-55-1

ISBN :978-964-6253-54-4

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، مقابل در اصلی دانشگاه تهران، نبش فخر رازی، پلاک ۵۵، طبقه اول، واحد ۱
تلفن: ۶۶۴۶۸۸۵۵ - ۶۶۹۵۲۳۶۲ - ۶۶۴۹۴۱۴۳ نمابر:

entesharat_afrooz@yahoo.com

فهرست مطالب

فصل اول.....	۱۷
تقسیم بندی تاریخ زمین.....	۱۹
تقسیمات میان دوره ای دوران ها.....	۲۰
آثار حیات در دوران پرکامبرین.....	۲۵
دوران پالئوزوئیک.....	۳۴
موجودات زنده در دوران پالئوزوئیک.....	۳۵
دوران مزوزوئیک.....	۴۸
موجودات در دوران مزوزوئیک.....	۴۹
دوران سنوزوئیک.....	۶۴
گذری بر دوران های پیدایش، تثبیت و تداوم زمین.....	۶۵
اعصار یخبندان.....	۷۳
نیای انسان.....	۷۷
خلاصی از چنبره ی دوران ها.....	۷۹
فصل دوم.....	۸۱
فصل سوم.....	۹۱
تکامل زندگی نیای انسان.....	۹۶
شکار.....	۹۷
تقسیم کار.....	۱۰۲
پیدایش فلات وسیع ایران زمین.....	۱۱۷
فصل چهارم.....	۱۱۹
کشاورزی در دوران ماقبل تاریخ.....	۱۲۱

۱۲۳	رام کردن حیوانات
۱۲۵	ماهی گیری
۱۳۷	فصل پنجم
۱۳۹	زبان حرکتی (زبان بی واژه)
۱۴۵	فصل ششم
۱۴۷	گذری بر اعتقادات انسان های نخستین بر قدرت برتر (قدرت ماوراء الطبیعه)
۱۵۱	فصل هفتم
۱۵۳	توتم ها و علل پیدایش آن ها
۱۶۳	پیشرفت انسان های نخستین در اختراع و اکتشاف وسایل زندگی و هنری
۱۶۷	فصل هشتم
۱۶۹	زندگی نیاکان ما از پانزده هزار سال قبل
۱۷۵	فصل نهم
۱۷۷	حکومت های ایرانی قبل از ظهور هخامنشیان
۱۸۰	پادشاهی میتانی
۱۸۲	حکومت عیلامیان در ۴۰۰۰ سال قبل
۱۸۳	حکومت کاسیان
۱۸۵	حکومت مادها
۱۸۷	فصل دهم
۱۸۹	آثار هنری بازمانده از دوران های بسیار دور
۱۹۳	فصل یازدهم
۱۹۵	خلاصه و زمان بندی پیدایش تمدن در ایران
۱۹۹	فصل دوازدهم

۲۰۱.....	ظهور هخامنشیان و هنرهای هخامنشی
۲۰۲.....	کوچ اقوام مختلف به داخل فلات ایران
۲۰۵.....	فصل سیزدهم
۲۰۷.....	کوچ بزرگ و آغاز تمدن جهانی
۲۰۸.....	آغاز کوچ
۲۱۳.....	فصل چهاردهم
۲۱۵.....	آغاز حکومت هخامنشیان
۲۱۷.....	هنرهای هخامنشی
۲۳۱.....	فهرست منابع

www.ketab.ir

ستایش پروردگار

شکر و سپاس خداوندی را سزااست که این خلقت عظیم را بدون هیچگونه نقصانی و در کمال زیبایی و جلال و بلامشارکت آفریده است. هر ذره‌ای در این جهان پهناور از حکمت بالغه‌ای سرشار است که برای شناخت آن عمری را به تحقیق می‌طلبد.

دل هر ذره را که بشکافی آفتابیش در میان بینی به همه‌ی جانداران از نور معرفت خویش مرحمت فرمود تا در پناه آن آرامش و ایمن گیرند. به پرندگان پر پرواز، به آبزیان تنفس درآب و به خاکیان پای سفرعنایت فرمود تا در ارض مقدسش به گردش درآیند و از قدرت لایزال الهی که در تکوین این عالم هستی به کار رفته است آگاهی یابند. به آدمیان تاب و تحمل شنیدن سخن سایر موجودات عطا نفرمود ولی آنان به زبان خویش سخن می‌گویند و درک مقصود می‌نمایند.

مرحبا ای هدهد هادی شده در حقیقت پیک هر وادی شده
ای به سرحد سبا سیر تو خوش با سلیمان منطق الطیر تو خوش

در میان تمامی موجودات، انسان را تمایزی نیکو و کرامتی وافر بخشید و لمحهای از روح خویش را در کالبد جان به ودیعت نهاد و عقل را فراروی وی قرار داد و دل را مخزن اسرار خویش گردانید

الهی سینه‌ای ده آتش افروز در آن سینه دلی وان دل همه سوز
هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست
کرامت کن درونی دردپرور دلی در ده درون درد و برون درد

الطاف خداوندی را حد و مرزی نیست چه اینکه با این همه مرحمت
زایدالوصف باز هم برای هدایت خلق هزاران چراغ فروزان فرا راه وی قرار داد
که اسوه‌ی آنان پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) می‌باشد.

صبحدم بادی در آمد مشکبار	شد جهان کشف، بر دل آشکار
مصطفی را دید می‌آمد چو ماه	در بر افکنده دو گیسوی سیاه
سایه‌ی حق آفتاب روی او	صد جهان جان، وقف یک سرموی
می‌خرامید و تبسم می‌نمود	او هر که می‌دیدش دروگم می‌نمود
آن مرید آن را چو دید از جای جست	کای نبی‌الله دستم گیر دست

مؤلف: مسعود اکبریان

پیش‌گفتار

پائیز سال ۱۳۸۴

عصر بود و از پنجره اتاق به کوچه می‌نگریستم. بادی آرام وزیدن گرفته بود و برگ‌های پائیزی را که در سطح زمین ریخته بود به این سو و آن سو می‌کشید. پائیز دل‌انگیز به هزار رنگ آمده و تن‌پوش درختان را به یغما برده بود. دیری نگذشت که شب از راه رسید، شبی بلند و طولانی

شب‌ی گیسو فرو رفته به دامن پلاستیک معجز و قیرینه گرز

سکوت شبانه کم‌کم بر هیاهوی شهر چیره می‌گشت و همه‌ی بیداری هم به خواب فرو رفت. مدت‌ها بود فکر مشغول موضوعی در زمینه‌ی هنر ایرانیان قدیم که در فلات مرکزی ایران زمین سکنی گزیده بودند، شده بود. می‌دانستم آسمان هنر و ادب ایران پر از ستارگان درخشانی است که حتی تنظیم فهرست نام آنان زمان زیادی را طلب می‌کند، ولی مصمم بودم این تحقیق را انجام دهم. فردا و فرداهای بی‌شماری را به جستجوی این گل‌های جاویدان سپری کردم از هر گلشن گلی می‌بوئیدم و سرمست می‌شدم. در این گلستان با این که آب و خاکش یکی است، گل‌های رنگارنگ و معطری پرورش یافته بود که هر کدام را عطر و زیبایی مختصی بود. هر چه بیشتر کنکاش می‌کردم به حقارت خویش بیشتر پی می‌بردم غوغائی در درونم بر پا شده بود می‌بایست دل به دریا زده و غواصی را آغاز می‌کردم تا از دل این دریای ژرف و پهناور درهای گرانبهایی را صید کرده تا تقدیم به دوست‌داران فرهنگ و ادب دوستان بنمایم. انتخاب این درها و مرواریدان غلطان بسیار دشوار است.

نمی‌شود میان یک خرمن گل فقط یک گل را بهترین نامید. بقول معروف هر گلی بوئی دارد.

ندارد راه فکرم روشنائی	ز لطف پرتویی دارم گدائی
اگر لطف تو نبود پرتوانداز	کجا فکر و کجا گنجینه‌ی راز
ز گنج راز، در هر کنج سینه	نهاده خازن تو صد دفینه
ولی لطف تو گر نبود، به صد رنج	پشیزی کس نیابد زان همه گنج
چو در هر کنج، صد گنجینه داری	نمی‌خواهم که نومیدم گذاری
به راه این امید پیچ در پیچ	مرا لطف تو می‌یابد دگر هیچ

به هر حال تعدادی از این گنج‌های سر به مهر را برداشتم و در طبق اخلاص پیش روی شما عزیزان گشودم. امیدوارم مورد قبول طبع لسیف فرهیختگان قرار گیرد.	ترسم درین دل‌های شب
از سینه آهی سرزند	برقی زدل بیرون جهند
آتش به جانی درزند	از عهده چون آید برون
گر بر زمین آمد سری	آن نیمه‌های شب که او
بیا مدعی ساغر زند	کوس نبرد ما مزن
اندیشه کن کز خیل ما	گر یک دعا تا زد برون
بر یک جهان لشکر زند	آتششانست این هوا
پیرامن ما ننگ‌گذاری	خصمی به بال خود کند
مرغی که اینجا پرزند	می بی صفا، نی بی‌نوا
وقتست اگر در بزم ما	ساقی می دیگر دهد
مطرب رهی دیگر زند	ما را درین زندان غم
من بعد نتوان داشتن	بندی مگر بر پا نهد
ققلی مگر بر در زند	

مقدمه

تعیین دقیق قدمت تمدن ایران باستان بسیار دشوار است، علائم و نشانه‌هایی که در اثر کاوش باستان‌شناسان به دست آمده نیز از لحاظ قدمت زمانی متفاوت است.

زمان دقیق زندگی اجتماعی مردمان ایران زمین که دوره غارنشینی را پشت سر گذاشته و وارد مرحله‌ی کومه‌نشینی و سپس خانه‌نشینی شده بودند نیز به درستی معلوم نیست.

گواينکه ایرانیان در زمان غارنشینی هم علاقه وافر به ساختن اشیاء سنگی داشته‌اند. حتی در همین دوره نیز آنان با ترسیم خطوط و نقاشی بر روی دیواره‌ی غار مکنونات قلبی خود را بیان می‌کردند.

بعضی از باستان‌شناسان از ووی اشیاء به دست آمده که در جای‌جای کشور عزیزمان ایران کشف گردیده است، قدمت تمدن اولیه را تا ۱۰۰ هزار سال برآورد کرده‌اند.

مطمئننا این سال‌های طولانی نیز آغاز تمدن ایرانیان قدیم نیست گواه این مطلب پیدایش دفینه‌هائی است از دل شهرهای قدیمی پنهان در زیر خاک و ماسه به ویژه از منطقه ای در نزدیکی شهر همدان کنونی کشف گردیده که متعلق به ۲۰۰ هزار سال قبل می‌باشد. این قطعه که یک نوع کمر بند با الیاف نسوز می‌باشد چند سال قبل از دل خاک بیرون کشیده شد که هنوز خوام خود را تا حدود زیادی حفظ کرده است آیا واقعا اولین آثار تمدن بشری در فلات مرکزی ایران قدیم که در میان چهار رشته کوه اصلی البرز در شمال، زاگرس در غرب، هندوکش در شرق و کوه‌های مسجد سلیمان و تخت سلیمان در جنوب احاطه شده است دارای قدمتی دویست هزار ساله است.

هر روز که کاوش‌های باستان‌شناسان ادامه می‌یابد. زمان شروع تمدن ایران زمین تغییر می‌کند. امروزه با بررسی آثار به دست آمده در شرق فلات مرکزی ایران در نواحی خراسان کنونی مشخص شده است، می‌تواند زندگی در ایران قدیم از یک میلیون سال قبل آغاز شده باشد.

این آگاهی‌های به دست آمده مربوط به امروز است، ولی مطمئناً هر چه کاوش‌های بیشتری انجام گیرد آثار قدیمی‌تری به دست خواهد آمد و قدمت تمدن ایرانیان باز هم با تاریخ دیگری ثبت خواهد شد.

www.ketab.ir

سیاس

قبل از هر مطلبی شکر و سپاس خود را به پیشگاه مقدس خداوند باری تعالی تقدیم می‌نمایم، چه اینکه اگر لطف و کرم و راهنمایی‌های حق تعالی شامل نمی‌شد تدوین کتاب حاضر امکان‌پذیر نبود.

کتاب حاضر با عنوان یکصدوپنجاه قرن هنر، ادب و نظم پارسی اولین جلد از مجموعه کتاب هائی است که آماده چاپ و انتشار می‌گردد در نظر است در مجلدات بعدی به ترتیب تاریخ تا عصر حاضر هنر هنرمندان، ادیبان و شاعران کشور عزیزمان ایران در مجموعه ای گردآوری و مورد کنکاش و واکاوی مجدد قرار گیرد از این بوستان و گلستان عظیم انتخاب گل‌ها بسیار دشوار است لیکن سعی خواهد شد بنا به سلیقه بهترین‌ها دست‌چین و در طبق اخلاص تقدیم گردد.

می‌دانم راهی طولانی و دشوار در پیش است ولی امیدوار به فضل الهی و کمک دوستان این راه را انشاء الله ادامه خواهیم داد.

پس از شکر و سپاس به درگاه حق تعالی از مادر و پدر بزرگوارم شادروان حاج محمدعلی اکبریان متخلص به عاطف نویسنده و شاعر توانا که کتاب‌های نفیسی چون دیوان عزیز و نگار، فرهنگ عامیانه، گنجینه عاطف و جنگ اشعار از وی به یادگار مانده است تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین از همسر و فرزندانم که با سعه‌ی صدر مرا در این راه یاری رسانیدند سپاس‌گذاری نمایم دوستان زیادی مرا در تدوین و جمع‌آوری مطالب یاری رسانیدند که قدردان تمامی عزیزان هستم از سوئی دیگر از مدیریت محترم انتشارات افروز جناب آقای افشین مرادقلی و همکارانشان که در تمامی مراحل راهنما و مشوق من بوده‌اند از صمیم قلب سپاسمندم.

زحمت تایپ و ویراستاری کتاب به عهده سرکار خانم رخشانی بوده که در
کمال متانت و در طول تدوین کتاب دوباره نویسی های مرا تحمل نموده و در
نهایت بردباری کار را به اتمام رسانیده اند تشکر و قدردانی می نمایم.

فروردین ۱۳۸۹

مؤلف: مسعود اکبریان

www.ketab.ir